

معیارهای تقویت‌کننده دیپلماسی فرهنگی

در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله تعالی)

(صفحات ۸۹ تا ۱۱۲)

DOR:20.1001.1.17358663.1398.14.41.4.8

نوع مقاله: پژوهشی

مهدی هدایتی شهیدانی^۱ * دانیال رضاپور^۲ * علی گلستانی^۳ * علی اسکندری نسب^۴

پذیرش: ۹۸/۰۸/۱۸

دریافت: ۹۸/۰۶/۱۲

چکیده

انقلاب اسلامی موجب یک تحول فرهنگی-اجتماعی در جامعه ایران بوده است که در ارتباط و تعامل با دولت‌ها و ملت‌های دیگر بر ابزارهای فرهنگی و گفتگو تأکید دارد. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بر اساس آموزه‌های اسلام نقش و جایگاه ویژه‌ای را برای عناصر فرهنگی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی قائل هستند. ایشان با تأکید بر ارزش‌های فطری و الهی که در همه انسان‌ها مشترک است درصدد بیداری و آگاهی مردم و ایجاد وحدت در بین مسلمانان بر اساس ارزش‌های جهان‌شمول فرهنگی بوده است. همچنین ج.ا. ایران و البته سیاست خارجی آن به دلیل مشرب داشتن از دو پشتوانه هویتی و فرهنگی غنی، "منبع ایرانی" و "منبع اسلامی"، همواره اصول فرهنگی، هویتی و ایدئولوژیک خاصی مدنظر داشته است. این نگارش پس از بررسی ظرفیت ایجادشده از طریق منابع تمدنی و دینی و دیگر مؤلفه‌های فرهنگی برای سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، به نوع نگاه و جایگاه دیپلماسی فرهنگی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد. دغدغه اصلی این نگارش پاسخ به این سؤال است که "با توجه به رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چگونه و با چه معیار، و راه‌کاری تقویت می‌شود؟" برای پاسخ این سؤال، این مقاله؛ فرضیه زیر را به آزمون می‌گذارد: "احصاء و فعال‌سازی مؤلفه‌های تمدنی قدرت آفرین در بستر دیپلماسی فرهنگی زمینه ارتقاء عملکرد و تحقق اهداف سیاست خارجی ج.ا. ایران در عصر جهانی‌شدن است."

واژگان کلیدی: دیپلماسی فرهنگی، آیت‌الله خامنه‌ای، سیاست‌گذاری فرهنگی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.

۱. استادیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. Mehdi.hedayati88@gmail.com

۲. دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول). danyalrezapoor@gmail.com

۳. کارشناس ارشد مطالعات شبه قاره هند، تهران، ایران. a_golestany@yahoo.com

۴. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران. alieskandari70@yahoo.com

۱- مساله پژوهش

دیپلماسی فرهنگی حوزه‌ای از دیپلماسی است که به برقراری، توسعه و پیگیری روابط با کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش می‌پردازد. لذا فرآیند موثری است که در آن فرهنگ یک ملت به جهان بیرون عرضه می‌شود و خصوصیت منحصر به فرد فرهنگی ملت‌ها در سطوح دوجانبه و چند جانبه ترویج می‌شود. در این میان دولت‌ها از طریق دیپلماسی فرهنگی سه هدف عمده را دنبال می‌کنند: الف- کسب وجهه بین‌المللی در میان سایر اقوام و ملت‌ها و اثرگذاری بر رفتار آن‌ها، ب- ایجاد نهادهای علمی، فرهنگی جدید به منظور برقراری روابط پایدار و صمیمیت بیشتر میان جوامع مختلف، ج- فهم دقیق اصول موجود در فرهنگ سایر ملت‌ها و کنکاش در ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دیگر جوامع با هدف ارتقای درک متقابل میان ملت‌ها (سیمبر و مقیمی، ۱۳۹۴: ۲). به عبارتی دیگر، دیپلماسی فرهنگی تلاش می‌کند با استفاده از فرهنگ و عناصر و مولفه‌های فرهنگی مانند: ایده‌ها، ارزش‌ها، اطلاعات، هنر، زبان و ادبیات، بر افکار عمومی دیگر کشورها تأثیر بگذارد. در این رابطه، استفاده از دیپلماسی فرهنگی برای افزایش اعتبار و گسترش نفوذ ایران در عرصه بین‌المللی ضرورت دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی معیارهای تقویت کننده دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران از منظر مقام معظم رهبری می‌پردازد و چگونگی نقش شاخص‌های معظم له را در افزایش قدرت و نفوذ ج.ا. ایران تجزیه و تحلیل می‌کند. اتخاذ چنین رهنمودهایی با دیپلماسی فرهنگی و در جهت منافع ملی، ایران را به کشوری پرنفوذتر و قدرتمندتر در عرصه بین‌المللی تبدیل خواهد کرد. در ادامه به بررسی ظرفیت و قابلیت‌های فرهنگی بیانات معظم له می‌پردازیم.

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱- ادبیات تجربی

در خصوص دیپلماسی فرهنگی آثار متعدد و متنوعی نگاشته شده که قبل از هر چیز اهمیت و جذابیت موضوع برای پژوهشگران را بیان می‌کند که در ادامه به بررسی برخی از این آثار پرداخته می‌شود.

زامورانو (۲۰۱۶) در "بازسازی دیپلماسی فرهنگی: ابزارسازی فرهنگ تحت

نظریه قدرت نرم " پس از یک مقدمه به بررسی مفهومی دیپلماسی فرهنگی می‌پردازد. نگارنده در ادامه به توسعه دیپلماسی فرهنگی از پراکنش فرهنگی گرفته تا برندسازی می‌پردازد. زامورانو سپس به بررسی دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم می‌پردازد. زامورانو بر آن است که دیپلماسی فرهنگی ابزاری برای کسب قدرت نمادین است (Zamorano, 2016: 166- 183).

ادوارد وستینز (۲۰۱۵) در "چگونگی قدرت نرم ایران: از دیپلماسی فرهنگی تا جنگ نرم" با بررسی دیپلماسی عمومی ایران در سطح بین‌المللی، نشان می‌دهد که استفاده ایران از اهداف و سیاست‌های فرهنگی تعریف‌شده سیاست خارجی بیانگر درک آن از پتانسیل‌های قدرت نرم است. نگارنده همچنین به بررسی شیوه‌های استفاده از دیپلماسی عمومی ایران برای ارتقاء قدرت نرم آن در صحنه جهانی می‌پردازد (Wastnidge, 2015: 364-373).

لن آنک، راج ایسار، و فیلیپ مار (۲۰۱۵) در "دیپلماسی فرهنگی: فراتر از منافع ملی؟" با ابهام‌زدایی اصطلاحات گفتمانی کلیدی به بررسی مفهومی دیپلماسی فرهنگی می‌پردازند. نگارندگان همچنین به بررسی رابطه دیپلماسی فرهنگی در آسیا-اقیانوسیه با منافع ملی، و رویه‌های متفاوتی که جوامع در حوزه دیپلماسی فرهنگی به کار می‌گیرند، می‌پردازند و معتقدند که برخی از این رویه‌ها لزوماً معطوف به منافع ملی نیست (Ang, Raj Isar & Phillip Mar, 2015: 365-382).

مالتزان (۲۰۰۹) در "نمونه دیپلماسی فرهنگی ایرانی در سوریه" به بررسی سیاست‌ها و رویه‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی فرهنگی در سوریه می‌پردازد. نگارنده پس از بررسی پیشینه و روابط ایران-سوریه ابزار و روش‌های ایران در سوریه را مورد بررسی قرار می‌دهد. نگارنده در بخشی از اثر خود به رابطه قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی تمرکز می‌کند. فعالیت‌های فرهنگی در حوزه نشر و کتب، رویدادها و سمینارها، فعالیت‌های علمی و رسانه‌ها ابزار اصلی ایران در به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی خود در سوریه است (Maltzahn, 2009: 33-47).

میرزائی و همکاران در مقاله "تدوین راهبردهای مدیریت دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه غرب آسیا" معتقد است که دیپلماسی فرهنگی یکی از وجوه اصلی ایران در منطقه است. به طوری که بررسی این که چگونه، چه زمان و چرا دیپلمات‌های ج.ا. ایران

معیارهای تقویت کننده دیپلماسی فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای؛ مهدی هدایتی شهیدانی و همکاران

ارتباط با مخاطبان خارجی را در اولویت قرار می‌دهند جواب نگارندگان این است که دیپلماسی فرهنگی فضاهایی برای بحث‌های عمومی و مسائل فراملی ایجاد کرده، بنابراین به‌عنوان مرکزی برای انتقال مفاهیم حوزه فرهنگی تبدیل شده است (میرزائی و همکاران، ۱۳۹۸).

بشیر و میرفخرایی در مقاله "فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در ۵ کشور عربی خلیج فارس" دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران را در کشورهای عربی خلیج فارس مورد بررسی قرار می‌دهند تا از این رهگذر، فرصت‌ها و چالش‌های آن شناسایی کنند. فرصت‌های احصا شده در دو دسته کلی «بالقوه» و «بالفعل» جای می‌گیرد که برخی از آنها به این قرار است: وجود مؤلفه‌های مشترک فرهنگی اجتماعی میان کشورهای عربی خلیج فارس، و میان این کشورها و ج.ا.ایران، ارتباطات پر سابقه و پردوام مردمی میان ایران و منطقه و ظرفیت سمن‌های ایرانی و خلیجی برای کمک به بهبود ارتباطات. چالش‌های احصا شده نیز به سه دسته کلی تقسیم می‌شود: «بینشی»، «گرایشی» و «کنشی». شاخص‌ترین چالش‌ها در این باره عبارت است از: کاستی‌های شناختی (شناخت ناکافی، قدیمی و...) درباره فرهنگ، سیاست فرهنگی و مختصات منطقه خلیج فارس و نیز کم‌توجهی به بایسته‌های عملکرد فرهنگی مطلوب و تکرار روندها و فرایندهای نادرست.

همچنان که بررسی شد کمتر اثری می‌توان یافت که به‌طور متمرکز بر منویات مقام معظم رهبری در مورد دیپلماسی فرهنگی پرداخته باشد. بنابراین این پژوهش به لحاظ موضوعی نوآوری دارد. همچنین احصاء و تبیین مؤلفه‌های مدنظر ایشان نیز در نوع خود کم‌سابقه است. بررسی این موضوع از آن است که این منصب در ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی ج.ا.ا. بر اساس اختیارات مصرح در قانون اساسی، رفیع‌ترین رکن نظام است. بسیاری از اختیارات و مسئولیت‌های رهبری، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به سیاست خارجی و تصمیم‌گیری در این حوزه مربوط می‌شود. می‌توان ادعا کرد عمده اهداف سیاست خارجی ابعاد ارزشی و فرهنگی دارند. پرداختن به ابعاد فرهنگی اهداف و فعالیت سیاست خارجی را می‌توان همان حوزه دیپلماسی فرهنگی دانست.

۲-۲-۱ ادبیات نظری

۲-۲-۱-۱ قدرت نرم

واژه قدرت نرم را جوزف نای تئوریسین آمریکایی حوزه امور امنیت بین‌الملل برای اولین بار به کار برد. در اساس از واژه فرهنگ در قاموس و عرف سیاست بین‌الملل به عنوان «قدرت نرم» یاد می‌شود. توضیح این اصطلاح با توجه به نظرات مختلف و دیدگاه‌هایی که مطرح شده، این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارایه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران و... است. به طوری که امروزه، این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت، قدرت نظامی و تسلیحاتی که به نحوی توأم با اجبار و خشونت‌های فیزیکی است، به کار می‌رود. بنابراین، قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران بوده و جنس آن از نوع اقناع و هسته اصلی آن جذابیت است، در حالی که چهره زمخت و سخت قدرت از نوع وادار و اجبار کردن است. در دیدگاه نای، قدرت نرم دارای سه منبع کلی است: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست داخلی و خارجی. در نظریه قدرت نرم، دیپلماسی فرهنگی به عنوان جزئی از دیپلماسی عمومی از ارکان قدرت نرم به شمار می‌رود که در تعاملی سازگار و هم‌افزا با سایر ارکان قدرت ملی کشور قابل تشریح است (روحانی و ذوالفقاری، ۱۳۸۹). بر این اساس مفاهیم و مبانی نظری مرتبط در قالب عناوین زیر ارائه می‌شود:

۲-۲-۲ دیپلماسی

دیپلماسی به عنوان فن سازماندهی روابط میان کشورها به لحاظ مفهومی در یک تعریف کوتاه عبارت است از فن اداره سیاست خارجی یا تنظیم روابط بین‌المللی و نیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طرق مسالمت‌آمیز. مورگنتا دیپلماسی را تدوین و اجرای سیاست خارجی در همه سطوح از صدر تا ذیل می‌داند. در یک تقسیم‌بندی کلی تا اواخر قرن هیجدهم دیپلماسی بسته و مخفی و پس از آن به دنبال دگرگونی‌های مختلف نظام بین‌الملل و پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و قدرت یافتن افکار عمومی به خصوص تجربه‌های تلخ ناشی از تحولات نظام بین‌الملل در نیمه اول قرن بیستم و دوران جنگ‌های جهانی به تدریج موجب رویگردانی از دیپلماسی بسته و پنهان و روی

معیارهای تقویت کننده دیپلماسی فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای؛ مهدی هدایتی شهیدانی و همکاران

آوردن به دیپلماسی باز و آشکار گردید. بر این اساس دیپلماسی سنتی دچار چالش شده و دیپلماسی نوین مبتنی بر سیاست هنجاری و نرم تکوین یافت. دیپلماسی در دنیای امروز دستخوش دگرگونی‌های اساسی شده و تقسیم بندی‌های مختلفی از آن به عمل آمده است (درخشه و کلیشمی، ۱۳۹۶: ۵).

۳-۲-۲- دیپلماسی عمومی

ظهور و گسترش تکنولوژی ارتباطات، اهمیت یافتن افکار عمومی، جایگزین شدن قدرت نرم به جای قدرت سخت و تحولات دیپلماسی از سنتی به نوین موجب تولد دیدگاه جدید «دیپلماسی عمومی» برای تحقق اهداف دولت‌ها در خارج شد. این اصطلاح بیش از همه در مطالعات دانشگاهی و نیز سیاست خارجی ایالت متحده آمریکا به کار گرفته شده است. در این راستا، آژانس اطلاعات آمریکا دیپلماسی عمومی را به معنای تقویت منافع ملی از طریق شناخت، اطلاع رسانی و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای دیگر و گسترش گفت و گو میان شهروندان و نهادهای یک کشور و هم‌تایان خارجی آنان تعریف می‌کند. به نظر می‌رسد که رابطه دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی، عموم و خصوص منوجه بوده و بین آن‌ها در هم تنیدگی شدیدی وجود دارد. در حقیقت، دیپلماسی عمومی، تعامل و تداخل سیاست و فرهنگ در سطوح مختلف است. به عبارت دیگر، جلوه فرهنگی سیاست را می‌توان دیپلماسی عمومی نامید. به همین دلیل، فرهنگ که یکی از مصادیق مهم قدرت نرم می‌باشد، اساس دیپلماسی عمومی را تشکیل می‌دهد (درخشه و کلیشمی، ۱۳۹۶: ۷).

۴-۲-۲- دیپلماسی فرهنگی

در تعریف دیپلماسی فرهنگی به معماری یک بزرگراه دوطرفه، با هدف ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و درعین حال تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آن‌ها تعبیر شده است. از این تعریف می‌توان دریافت که دیپلماسی فرهنگی یک فرایند دوطرفه است و بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ملت‌های درگیر، استوار است. عاملی که سبب برتری دیپلماسی فرهنگی بر دیپلماسی سیاسی می‌شود، این است که دیپلماسی سیاسی فرایندی دولت-محور است و دولت‌ها می‌بایست برای به کار گرفتن یک دیپلماسی درست، برنامه‌ریزی-

های کلان و هزینه‌های زیاد صرف کنند. اما دیپلماسی فرهنگی الزاماً فرایندی دولت‌محور نیست و بیشتر بین ملت‌ها صورت می‌پذیرد و از راه‌هایی همچون تشکل‌های غیردولتی، میراث فرهنگی، جشنواره‌های بین‌المللی فرهنگی و هنری و ... پیش می‌رود. در فرایند دیپلماسی فرهنگی، دولت‌ها تنها نقش هدایت‌کننده و حامی را ایفا می‌کنند؛ اما در نهایت از برتری‌های این حوزه در دیگر ابعاد دیپلماسی (دیپلماسی سیاسی، دیپلماسی دفاعی، دیپلماسی اقتصادی و...) منافع ملی، بهره می‌برد. دیپلماسی فرهنگی نمونه مهم به کارگیری قدرت نرم است و برخلاف دیپلماسی سیاسی، به کشورها این امکان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کنند و کشور هدف را از راه عناصری همچون فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی تحت تأثیر قرار دهند و به همکاری ترغیب کنند. سرانجام طرف مقابل نیز حرکتی را صورت دهد و چیزی را به زبان بیاورد که کشور مبدأ در کشور مقصد به دنبال آن بوده است. دیپلماسی فرهنگی، برخلاف دیپلماسی سیاسی که تنها از ارزش‌های میهنی و منافع ملی هر کشوری تأثیر می‌پذیرد، از ارزش‌های جهان‌شمولی نقش می‌گیرد که مورد قبول بیشتر ملت‌های دنیاست و مردم کشورهای مختلف را بهم نزدیک می‌کند. حال در این میان این هنر دولت‌هاست که بتوانند به میزان بالایی، منافع خود را در راستای ارزش‌های جهان‌شمول قرار دهند و منافع ملی خود را در میان مفاهیم جهانی، بازتعریف کنند (میرفخرایی و بندپی، ۱۳۹۶: ۳-۴).

۳- روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی، تحلیلی با رجوع به استنادات تاریخی و مکتوب است: این روش متداول در پژوهش‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل اغلب برای توصیف پدیده‌ها، حوادث و واقعیات موجود در سطوح گوناگون محیط بین‌الملل کاربرد دارد و بیشتر جهت اصلاح و رفع مشکلات ساختاری زمینه‌های مطالعه شده مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

۴- تحلیل و یافته‌های پژوهش

منابع و ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای اداره دیپلماسی فرهنگی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای
جمهوری اسلامی ایران، افزون بر منابع سرشار طبیعی و انسانی، منابع بسیار غنی فرهنگی

معیارهای تقویت کننده دیپلماسی فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای؛ مهدی هدایتی شهیدانی و همکاران

و تمدنی نیز دارد که اصل وجود چنین منابعی برای مسئولان و سیاست‌گذاران کشور، یک فرصت استثنایی پدید آورده است؛ حال باید دید تا چه حد توانسته‌ایم از این منابع غنی برای پیشرفت دیپلماسی فرهنگی کشور استفاده کنیم. این منابع اسلامی - ایرانی را در پنج بخش می‌توان دسته‌بندی کرد: علوم و معارف اسلامی، مثل: قرآن کریم، روایت‌ها و سیره معصومین (علیهم‌السلام). آنچه در این حوزه مهم است، اندیشه و راهبرد تقریب مذاهب وحدت اسلامی و متمرکز در فعالیت‌های فرهنگی بیرون از کشور برجاهای مشترک اسلامی است؛ منابع فرهنگی و تمدنی، مثل زبان و ادبیات فارسی، مفاخر و شخصیت‌های تاریخی، بناها و آثار فرهنگی، آداب و رسوم و سنت‌ها، موزه‌ها، آیین‌ها، ادبیات انقلاب اسلامی. در این بخش اهمیت زبان فارسی از دیگر منابع بیشتر است؛ منابع هنری، مثل آثار سینمایی، موسیقی، نقاشی، صنایع دستی و نمایش‌های آیینی؛

منابع تخصصی، مثل باستان‌شناسی (ورزش زورخانه‌ای)، نیروی انسانی خلاق و مستعد، فرهنگستان‌ها، حوزه‌های علمیه دینی، مراکز پژوهشی و علمی، کتابخانه‌ها و نسخه‌های خط؛ منابع رسانه‌ای، مثل آثار رادیویی و تلویزیونی، چاپ و نشر (صادقی، ۱۳۹۳).

اندیشه تقریب، به‌عنوان راهبرد

در واقع اندیشه تقریب، به‌عنوان راهبرد جمهوری اسلامی ایران در همبستگی با جهان اسلام مطرح شد. روحیه و عزم برای بیداری اسلامی و آنچه برای آزادی از تمامی شرک‌ها و استبداد و استعمارها هدفی جز امت واحده اسلامی ندارد؛ سرزمین جهان اسلام، دارای مساحتی بیش از ۳۵ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن فراتر از یک میلیارد و نیم مسلمانانی است که مرگ در راه خدا را عین سعادت می‌دانند و معتقد به نبوت پیامبر اعظم، حضرت محمد بن عبدالله (ص) و قبله و کتاب واحد هستند؛ همچنین بیش از ۲۵۰ میلیون نفر نیروی کار متخصص و توانمند دارد؛ از نظر قدرت نظامی ظاهری، نزدیک به ده میلیون نیروی آموزش‌دیده نظامی و دارای بیش از صد بندر استراتژیک بر سواحل دریاها و اقیانوس‌های گوناگون است؛ این سرزمین، بر بخش گسترده منابع نفتی، مس، اورانیوم و مانند آن، در جهان کنترل دارد (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۳).

آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند: «امروز بخش عظیمی از حساس‌ترین نقاط دنیا به لحاظ اقتصادی، منابع، سوق‌الجیشی و وضعیت اجتماعی، در اختیار مسلمانان است. نقاط ارتباطی سه قاره‌ی بزرگ و مهم عالم - یعنی آسیا و آفریقا و اروپا - در اختیار مسلمانان است. مهم‌ترین منابع نفت و بسیاری از منابع دیگر عالم، در اختیار مسلمانان است. امروز دنیای استکباری و امپراتوری‌های زر و زور می‌دانند که اگر اسلام در دل مسلمانان و جوامع اسلامی حیات دوباره پیدا بکند، منافع آنها منافع متکی به سلطه و زورگویی و دوقطبی بودن عالم - به خطر خواهد افتاد» (حدیث ولایت، ۱۳۶۹/۰۸/۰۵).

در کنار این ظرفیت‌های مادی، این امت، ظرفیت‌های عظیم فرهنگی، معنوی نیز دارد؛ همچنین حاوی کامل‌ترین پروژه حل مشکل‌های بشری و پایان‌بخش ناهمگونی میان منافع فردی و منافع جامعه‌ای است که همه ایدئولوژی‌های بشر ساخته است؛ ایدئولوژی‌هایی که بشر در حل آن ناتوان بوده است و حتی آن را پیچیده‌تر نیز کرده است (تسخیری، ۱۳۸۳: ۱۲). در اندیشه‌ی امام خامنه‌ای ایجاد روابط دوستانه بسیار تأکید شده و مسلمانان برای ایجاد وحدت و یکپارچگی به این امر فراخوانده شده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای با پیروی از ائمه اطهار (س) و سنت پیامبر (ص) تلاش می‌کند تا وحدت اندیشه و نظر را در میان امت اسلام پدید آورد و عوامل واگرایی مانند طایفه‌گرایی، تبعیض طلبی را نفی می‌کند و این اندیشه‌ی بنیادی را گسترش می‌دهد، که همه‌ی ملت‌ها برابر و برادرند و کسی را بر کسی امتیاز نیست. پس از بررسی سخنان رهبر انقلاب که در طول مدت زمامداری ایشان بیان شده‌اند، می‌توان به اهم دیدگاه‌های وی در خصوص مسئله تقریب مذاهب اسلامی پی برد از این رو با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی ایران برای اندیشه تقریب مذاهب را این‌گونه بیان کرد: کوشش در راه ایجاد آشنایی و تفاهم بیشتر میان عالمان، متفکران و پیشوایان مذهبی جهان اسلام در زمینه‌های اعتقادی، فقهی، اجتماعی و سیاسی؛ گسترش اندیشه تقریب در میان اندیشمندان و فرهیختگان جهان اسلام و انتقال آن به توده‌های مسلمان و آگاه کردن آنان از توطئه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان اسلام؛ سعی در ایجاد هماهنگی و تشکیل جبهه واحد در مقابل توطئه‌های تبلیغاتی و تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام بر اساس اصول مسلم اسلامی (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۰۸-۱۱۱).

جایگاه ترویج زبان فارسی در خارج از کشور، از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

رهبر انقلاب از معدود روحانیونی است که باادب و شعر فارسی پیوندی عمیق و دیرینه دارد، نشانه و مصداق این امر را می‌توان در محافل ادبی که در محضر ایشان برگزار می‌گردد مشاهده نمود. به هر صورت بررسی همه نظرات ایشان در این پژوهش نمی‌گنجد و در اینجا به مهم‌ترین نظرات خواهیم پرداخت؛ این نمونه‌ها اهمیت زبان فارسی و گسترش و توسعه آن را در منظومه فکری ایشان نمایان می‌سازند (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). «بدون تردید اسلام از طریق زبان فارسی و فارسی‌زبانان به چین، شبه‌قاره و بخشی از آسیای میانه گسترش یافته است و بسیاری از کسانی که در این مناطق به اسلام گرویده‌اند، هنوز یادگارها و نشانه‌های زبان فارسی را در کلامت و اصطلاحات دینی خود حفظ کرده‌اند و این خود مایه سربلندی و افتخار است. ما باید برای رواج زبان فارسی در دنیا و گسترش جغرافیایی آن تلاش کنیم تا این زبان در موضع قدرت قرار گیرد و بتواند بخش عظیمی از مدنیت گذشته عامل را که با خود همراه دارد به دنیا ارائه دهد (حدیث ولایت، ۱۳۷۴/۱۰/۱۶).

دیپلماسی حمایتگری از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

مفهوم دیپلماسی، یکی از مفاهیمی است که دارای تعریف‌ها و شکل‌های بسیار است. از این رو، یکی از انواع دیپلماسی، دیپلماسی حمایتی است که مهم‌ترین هدف آن تسلط و اعمال نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر جامعه حمایت شونده است. امداد و حمایت در واقع فلسفه وجودی روابط اجتماعی میان انسان‌ها و نیز منشأ روابط میان ملت‌هاست؛ زیرا انسان‌ها به هم نیاز دارند و این نیاز اجباری است، نه اختیار (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۵۴). در همین راستا معظم له در دیدار با اعضای مجلس خبرگان می‌فرماید: «شما الآن هر جای دنیای اسلام بروید، خواهید دید که مردم دل‌هایشان برای جمهوری اسلامی می‌تپد؛ این واقعیت است... مردم اشخاص ماها را نمی‌شناسند؛ شاید اسم ما را بدانند، اما انقلاب و امام را می‌شناسند؛ همان شخصیتی که مثل خورشید در آسمان دنیای اسلام می‌درخشید و همه - چه دشمن‌ها می‌خواستند، چه نمی‌خواستند - آن را لمس می‌کردند. الآن هم نمودار و برگه‌ای از آن شخصیت ممتاز را مشاهده می‌کنند. شما هر جا بروید، وضعیت همین گونه است. یکی از مسئولان ما - یادم نیست

آقای رئیس‌جمهور بود یا کس دیگری - به یکی از کشورهای عربی رفته بود و از او استقبال خوبی کرده بودند. من گفتم شما به هر کدام از کشورهای عربی بروید، قضیه همین است؛ علت هم این است که بر سر حرف و شعار اصلی خود - که حمایت از اسلام راستین است - ایستاده‌ایم. آمریکایی‌ها وقتی سند چشم‌انداز منتشر می‌شود و می‌بینند چشم‌انداز بیست‌ساله عبارت است از پدید آمدن یک کشور پیشرفته‌ی طراز اول در منطقه، درصدد مقابله برمی‌آیند. البته این‌ها نمی‌توانند با اسلام مقابله کنند (حدیث ولایت، ۱۳۸۳/۱۲/۲۷).

معیارهای تقویت‌کننده دیپلماسی فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

در ادامه و پس از بررسی مفهومی و ابعاد آن و برخی از منویات آیت‌الله خامنه‌ای به سیاست خارجی و دیپلماسی فرهنگی و مکانیسم‌های مدنظر ایشان پرداخته می‌شود.

اهمیت سیاست خارجی و دیپلماسی

سیاست خارجی کشورها را می‌توان جلوه‌ای از کلیت اصول و مبانی آن نظام سیاسی دانست. سیاست خارجی عرصه‌ای پراهمیت است، زیرا حیات سیاسی، اقتصادی و زندگی ملت‌ها و کشورها به چگونگی طراحی و اجرای آن بستگی دارد چراکه بقای هر دولت - ملتی در گرو مدیریت و هدایت مطلوب سکان دستگاه دیپلماسی آن کشور است. سیاست خارجی مقوله‌ای فراتر از منافع فردی، گروهی و جناحی بوده، آثار و تبعات آن برای تمامی لایه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اثرگذار است. به‌علاوه، دامنه اثرات سیاست خارجی به نسل‌های آینده تعمیم می‌یابد و نقاط عطف تاریخی را فراهم می‌سازد. دیپلماسی در همه انواع خود، اعم از سنتی و مدرن، رسمی و غیررسمی، آشکار و غیر آشکار، فرهنگی، علمی، عمومی، مردمی و حتی اقتصادی بستر تعاملی جهت تأمین منافع است. از این‌رو هرچه سطح به‌کارگیری، تنوع روش و ابزار، مخاطب شناسی و محتوا گزینی متناسب با جامعه هدف دقیق‌تر باشد ضریب احتمال تأمین منافع بیشتر خواهد شد.

یک سیاست خارجی اسلامی "تکلیف محور" است. منطق رفتار کنشگر اسلامی که تصمیمات و رفتار سیاست خارجی دولت اسلامی بر پایه آن شکل می‌گیرد منطق، تکلیف است، زیرا انگیزه رفتار، میزان سازگاری با اهداف الهی و مشروعیت آن بر

معیارهای تقویت کننده دیپلماسی فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای؛ مهدی هدایتی شهیدانی و همکاران

اساس وظایف و تکالیف شرعی هست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۰). به طوری که وظیفه و تکلیف یک دولت اسلامی پیاده کردن اصولی از جمله نفی سییل (طرد و نفی سلطه امپریالیسم)، مبارزه با مستکبران و حمایت از مستضعفین جهان، دفاع از ارزش‌های اسلامی، یکپارچگی سیاسی دارالاسلام است. آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه چنین بیان می‌دارند: «ملت ایران فقط به دنبال تکلیف و مسئولیت خود و در پی ادامه راه نورانی خود حرکت می‌کند و با شیاطین به مبارزه می‌پردازد و در مقابل خواست شیاطین می‌ایستد. بزرگ‌ترین مبارزه با استکبار و با شیاطین استکبار این است که انسان تسلیم خواست و تحمیل آنها نشود. امروز ملت ایران این مبارزه بزرگ را دارد و این راهی است که امام بزرگوار ما در مقابلمان باز کرد و ملت ایران از این راه پیش رفت و حرکت نمود و بحمدالله به عزت رسید؛ امروز هم همان راه را با قوت و شدت ادامه می‌دهد» (حدیث ولایت، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴).

استکبارستیزی و عدالت‌خواهی

رهبر فرزانه‌ی انقلاب در ۸۲/۵/۲۷ در جملاتی از مبانی و اهمیت اصول و ارزش‌های نظام اسلامی یاد کرده است: "نظام اسلامی ایران دارای اصول و ارزش‌هایی است (عزت ملی) که هیچ‌گاه آن را با رضایت غرب و در رأس آن آمریکا معاوضه نخواهد کرد". (leader.ir). در تشریح چگونگی تأثیر این اصول بر دیگر عرصه‌ها، به‌عنوان مثال اصل "نه شرقی و نه غربی؛ جمهوری اسلامی"؛ عده‌ای بر این باورند که این موضوع صرفاً در حوزه سیاست خارجی کاربرد دارد؛ حال آنکه گروهی دیگر و از جمله امام (ره) که در پیام افتتاحیه خود به اولین دوره مجلس شورای اسلامی توصیه کردند؛ "سیاست نه شرقی، نه غربی را در تمام زمینه‌های داخلی و در روابط خارجی حفظ کنید" (امام‌خمينی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۱۲۲) بر آن‌اند این اصل باید در تمام سطوح رعایت شود. این اصل با موضوع ولایت، خاصه قاعده "نفی سییل" هم‌خوانی بالایی دارد. این اصل در سیاست خارجی ایران ریشه در شریعت اسلام و قواعد فقهی و از جمله قاعده نفی سییل دارد؛ بر اساس این قاعده خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ‌گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را باز نگذاشته و هرگونه راه تسلط کافران بر مسلمین را بسته است (صادقی، ۱۳۹۳: ۳۴). اگر محرز شود که قراردادی زمینه سلطه کفار بر مسلمین را فراهم می‌کند

خودبه‌خود باطل می‌گردد. جالب اینکه وجوب رعایت وفای به عهد "او فوبالعهد" در امر قاعده نفی سبیل منسوخ؛ و به همین دلیل نفی سبیل از قواعد ثانویه فقهی محسوب می‌گردد (محمدی، ۱۳۷۷: ۱۸). رهبر انقلاب در مورد استکبارستیزی و عدالت‌خواهی می‌فرماید: «اسلام و قرآن با ظلم نمی‌سازد، با تجاوز و ستمگری نمی‌سازد، با تسلط رژیم‌های خودکامه بر ملت‌ها و بر مردم دنیا نمی‌سازد» (حدیث ولایت، ۱۳۷۵/۸/۳۰). در جای دیگر می‌فرماید: «برجسته شدن ارزش‌های انقلاب در گفتار و رفتار دولت از جمله ساده زیستی و دوری از تجمل، استکبارستیزی و افتخار به انقلابی‌گری و تلاش برای ارتباط گسترده با مردم از جمله نقاط قوت دولت است که منشأ برکات و آثار مثبتی بوده است» (حدیث ولایت، ۱۳۹۱/۶/۲).

امروز مهم‌ترین حرف نظام اسلامی، عدالت است در همین راستا آیت‌الله خامنه‌ای پیام اصلی انقلاب اسلامی ایران را عدالت می‌داند. ایشان عدالت را پیام اسلام برای همه جوانان دنیا معرفی می‌نمایند و جاذبه این شعار پر‌محتوای نظام جمهوری اسلامی را برای جوانان دیگر کشورها نیز یادآور می‌شوند: «امروز پیام اسلام پیام جذابی است. پیام ما پیام عدالت است پیام ما پیام نجات انسان‌ها و نجات جان آن‌هاست. وقتی ما اسم جوان را می‌آوریم فقط به جوان‌های جامعه خودمان نگاه نمی‌کنیم. امروز نسل‌های جوان را در سرتاسر دنیا بر اثر دوری از معنویت زیر فشار قرار می‌دهد» (حدیث ولایت، ۱۳۷۱/۰۴/۲۰). آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «ما با معیار عدالت بین‌المللی گرایش به معنویت، کرامت دادن به نوع انسان و گرایش به دین خدا و به معنویت و اخلاق معنوی سرکار آمدیم. ما با معیار تن‌ندادن و قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی سیطره جوان عالم سرکار آمده‌ایم این‌ها معیارهای جمهوری اسلامی است» (حدیث ولایت، ۱۳۸۴/۱۲/۰۸).

فراملی کردن ورزش زورخانه‌ای

انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب فرهنگی است که با دربرگرفتن ارزش‌های اسلامی و انسانی، پس از پیروزی خود و شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران، سرسختانه، اهداف فرهنگی خود را در درون و بیرون از مرزهای ایران دنبال کرده است. بنابراین از ورزش‌هایی که بستر مناسبی برای انتقال ارزش‌های فرهنگی اسلامی ایرانی محسوب می‌شود، ورزش زورخانه‌ای است. ارزش فرهنگی در ورزش زورخانه‌ای، به دلیل

معیارهای تقویت کننده دیپلماسی فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای؛ مهدی هدایتی شهیدانی و همکاران

ویژگی‌های خاصی که این ورزش دارد، نمای بخش گسترده‌ای از ارزش‌های فرهنگی گفتمان انقلاب اسلامی است. در جهان مدرن که ابزار ورزش، یکی از مهم‌ترین ابزارها در پیشبرد هدف‌های دیپلماسی فرهنگی دولت‌هاست، ورزش زورخانه‌ای و توسعه آن می‌تواند نقش اثرگذاری در موفقیت هدف‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؛ باین حال، این ورزش با وجود همه ظرفیت‌های فرهنگی و مذهبی و در کنار تأکیدهای خاص امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای درباره اهمیت توسعه و فراملی کردن ورزش زورخانه‌ای، آن‌چنان که شایسته است، توجه نشده و مسئولان امر، از آن حمایت نکرده‌اند (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۶۵-۱۶۶).

تأکیدهای ویژه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای برای توسعه ورزش زورخانه‌ای به‌عنوان میراثی فرهنگی ورزشی، سند گویای اهمیت ورزش‌های زورخانه‌ای برای گفتمان انقلاب اسلامی است. در همین راستا ایشان می‌فرماید: «...من هم نمی‌خواهم و در نظر ندارم این را بیان کنم؛ اما می‌خواهم بگویم، ورزش باستانی یک تاریخ است برای ما. یک ورزش نیست، یک فرهنگ است؛ یعنی چند هزار سال سابقه تاریخی و فرهنگی دارد. حالا چه کشتی که سمبل و به‌اصطلاح و به قول ورزشکارها میان‌دار ورزش باستانی و مظهر پهلوانی بوده است و چه بقیه ورزش‌ها و انواع کارهایی که در دسته ورزش‌های باستانی می‌گنجد. همه این‌ها یک‌بار فرهنگی و گنجینه فرهنگی تاریخی دارد که بسیار ارزشمند است». (حدیث ولایت، ۱۳۸۲/۰۸/۲۰).

تأکید و استفاده از هنر

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استفاده از مسائل هنری و به‌ویژه استفاده از هنرهای اسلامی و مذهبی بسیار تأکید شده است. با ظرفیتی که جامعه اسلامی ایران از آن برخوردار است، حتی برخوردار از این هنرها به‌عنوان عاملی برای ایجاد ارتباطات وحدت در میان جوامع اسلامی می‌توان بهره گرفت. ایشان می‌فرمایند: «استفاده از هنر بالأخص هنر سینما از شیوه‌های رایج قدرت نرم است. امروز استکبار به این اکتفا نمی‌کند که شمشیر نشان بدهد، شمشیر هم نشان می‌دهد، اما در کنار او به ده‌ها شیوه دیگر متصل می‌شود. در همین راستا ایشان می‌فرمایند: «در یک کشور، مسئله ادبیات و فرهنگ، مسئله اصلی است؛ چه در آن دورانی که کشور و ملتی در حال یک تحول اساسی است

و چه در دوره بازسازی و بازپروری ذخایر ملی و پس از آن. در همه دوران، گره‌گشایی اصلی، به‌وسیله فرهنگ است؛ که پایه‌های اساسی فرهنگ هم، همین ادبیات و هنر است. بالاخره وقتی ما از فرهنگ حرف می‌زنیم، در درجه اول، از شعر، از داستان، از نویسندگی، از بخش‌های مختلف هنری و نظیر آن حرف می‌زنیم. این‌هاست که در ذهنیت و عمل مردم تأثیراتی دارد. اگر بخواهد تحولی در یک کشور انجام گیرد، فرهنگ کارگشاست. فرض بفرمایید جنگی پیش بیاید. برای اینکه یک ملت بتواند آن جنگ را درست اداره کند یا نتواند، بیش از سلاح وجود فرماندهان کارآموده و کثرت سپاهیان و لشکریانی که در اختیار دارد، فرهنگ ملت است که می‌تواند به کمک بیاید و آن ملت را به میدان جنگ بکشد، در میدان جنگ نگه دارد، به خوب جنگیدن وادار کند و پیروزی را در اختیارش بگذارد (دغدغه‌های فرهنگی، ۱۳۹۰).

اعتمادسازی بین‌المللی

هنگامی که فعالیت خیریه‌ای انجام می‌شود، اگر انجام دهنده این فعالیت خودش عامل به اسلام و از فضایل اخلاقی بهره‌مند باشد، این عمل، اعتماد را در طرف مقابل برمی‌انگیزد، او را به آموزه‌های اسلام دعوت می‌کند و اثرگذاری‌اش از این حیث که در مخاطب حمایت شونده اعتماد ایجاد می‌کند، بسیار زیاد است؛ بنابراین هر حکومتی برای تأثیرگذاری بر مخاطب خویش نیاز به اعتمادسازی دارد که یکی از ابزارهای ایجاد این اعتماد، انجام فعالیت‌های خیریه و حمایت‌گرانه است (صادقی، ۱۳۹۳: دهشیری، ۱۳۹۳). در واقع انجام یک فعالیت حمایت‌گرایانه اعتماد را در جامعه هدف برمی‌انگیزد؛ در پایان، این اعتماد زمینه را برای اثرگذاری فرهنگی تسهیل می‌کند. «آنچه ما تصوّر می‌کنیم که وظیفه‌ی ما است، وظیفه‌ی مجموعه‌ی مسئولان کشور است، وظیفه‌ی دولت جمهوری اسلامی است، این است که این سه مؤلفه‌ی بزرگ را برای همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و همه‌ی اقدام‌ها در نظر داشته باشد: مؤلفه‌ی اوّل عبارت است از آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی؛ که آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله‌ی کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی و کمک به محرومان و مظلومان جهان» خلاصه کرد. مؤلفه‌ی دوّم عبارت است از راه‌هایی که ما را به این اهداف می‌رساند؛ راهبردهای عمومی و کلی؛ این راهبردها را بایستی در شناخت محتاجین، تکیه‌ی بر

معیارهای تقویت کننده دیپلماسی فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای؛ مهدی هدایتی شهیدانی و همکاران

اسلامیت، ملاحظه‌ی ظالم نبودن و کمک به مظلومین در تعاملات گوناگون؛ راهبرد تکیه‌ی به آراء مردم و آنچه مردم سالاری را تشکیل می‌دهد و راهبردهایی از این قبیل؛ این‌ها سیاست‌های کلان و اساسی و راهبردهای اصلی نظام جمهوری اسلامی است برای رسیدن به آن آرمان‌ها (حدیث ولایت، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴).

ارسال پیام به جامعه بین‌المللی با تکیه بر فرهنگ سیاسی اسلام

تردید نیست که اذهان و فطرت حقیقت‌جو رهایی از بحران هویت مولود نظام سلطه، در بین اقشار مختلف جوامع غربی، بیشتر از همه دغدغه قشر جوان آن جوامع است. همچنین جوانی سن مطالبه‌گری است و ذات انسان نیز چندان آلوده نشده است که امکان تغییر نداشته باشد. از سوی دیگر جوانان هر کشور نیروهای صادق‌تری هستند و محافظه‌کاری کمتری دارند و به دنبال حق و حقیقت می‌گردند و از ظرفیت بیشتری برای ایفای نقشی تاریخ‌ساز برخوردارند. آیت‌الله خامنه‌ای با اشراف به این موضوعات و این‌که هرگونه تغییر و تحول در کشورها از سوی مردم صورت می‌گیرد و موتور محرک مردم و آینده‌سازان جوامع، نیز قشر جوان هستند، به نگارش نامه خطاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی پرداخته‌اند.

«من شما جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهم؛ سخن من با شما درباره‌ی اسلام است و به‌طور خاص، درباره‌ی تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه می‌گردد. خواسته‌ی من این است که در واکنش به سیل پیش‌داوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه می‌گویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آشنا شوید. من در اینجا مایلیم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به‌جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی شما قرار می‌دهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیش‌داوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال

حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزرده‌گی کمتر وجدانی آسوده‌تر به نگارش در آورند» (حدیث ولایت، ۱۳۹۳/۱۱/۱۳).

مخاطب‌شناسی

اینکه دیپلماسی فرهنگی می‌تواند مخاطب‌گزینشی را به مجریان و سیاستمداران بدهد بسیار ارزشمند است. نکته مهم اینکه باید بر مبنای همین شناخت، از ابزار مناسب استفاده کرد. نفوذ و اثرگذاری، دو هدف عمده دیپلماسی فرهنگی است. دیپلماسی در تلاش برای ایجاد بنیان اعتماد در مردم دیگر کشورها از طریق آگاه‌سازی و افزایش درک متقابل است تا به کمک آنها توافقات سیاسی، اقتصادی و نظامی بین دولت‌ها را به نتیجه برساند (Harrison, 2005: 16). مثلاً با توجه به اختلاف سطح رفاه اجتماعی و اقتصادی مردم کشورهای عربی و مردم شبه‌قاره، ب در کشورهای عربی اینترنت ابزار مناسبی و در پاکستان، بنگلادش و هند، برنامه‌های رادیو و تلویزیونی مفیدتر است.

تصویرسازی در فضای رقابتی

در دیپلماسی، باید دیگر محصولات که جامعه مخاطب در معرض آن هستند نیز در نظر گرفت. سیاست‌های خودخواهانه، عدم توجه به منافع دیگران، و ارزش‌های منافی شخصیت انسانی به جای افزایش قدرت نرم موجب تحلیل رفتن آن می‌شوند. نای اشاره می‌کند که تناقض میان گفتار و اعمال مجریان و عاملان دیپلماسی عمومی نیز خطر بزرگی برای دیپلماسی آن کشور به شمار می‌رود (روحانی و ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۹۸). جالب‌تر اینکه تنوع درک و توجه به ارزش‌ها هم در بستر جهانی شدن برای دیپلماسی کشورها می‌تواند معضل‌آفرین باشد.

بسیاری از آموزه‌های مطرح در جهانی شدن برای ایران خوشایند نیست و درعین حال در مواردی در تضاد کامل با خواسته‌های ایران قرار دارند. جمهوری اسلامی ایران با توجه به منابع هویت‌بخش خود، ایرانی بودن و اسلامی بودن، در حالتی تناقض‌گونه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر آنچه جهانی شدن برای یک فرد جهانی شده در نظر دارد آنی نیست که ایران می‌خواهد. دشواری نقش‌آفرینی و اثرگذاری ایران زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم جامعه مخاطب دیپلماسی کشورها تنها به محصولات دیپلماسی

معیارهای تقویت کننده دیپلماسی فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای؛ مهدی هدایتی شهیدانی و همکاران

کشور ما دسترسی ندارند بلکه در معرض دیگر خوراکی‌های فرهنگی و دیپلماتیک از دیگر کشورها هم قرار دارند.

دیپلماسی مشارکتی و چندوجهی^۱

در فضای جهانی شده امروز شاهد همکاری و دست‌کم تعامل بازیگران در حوزه‌های بسیاری هستیم. دیپلماسی خاصه نوع فرهنگی آن می‌تواند فضای همگرایی و همکاری بیشتری را فراهم سازد. بدین ترتیب اگر آنچه می‌تواند به‌عنوان زمینه مشترک دیپلماسی باشد از سوی چند بازیگر مورد توجه و حمایت قرار گیرد اثرگذاری به مراتب بیشتری خواهد داشت. در عین حال باید توجه داشت که در این همگرایی تقابل و برتری جویی وجود نداشته باشد و فضا به شکل یکسان برای بازیگران فراهم باشد. بنابراین ایران باید با شناخت، به کارگیری و تداوم بخشی به این زمینه‌ها راه را برای همگرایی بیشتر فراهم کند.

ایجاد فضای دوطرفه

در دیپلماسی فرهنگی باید به گونه‌ای رفتار شود که تمام خواسته‌های دو طرف دیده شده و اطمینان داده شود که فضا به شکل برابر فراهم شده است. اگر در جریان فعالیت‌های دیپلماتیک فضا به گونه‌ای شود که جامعه مخاطب احساس کند صرفاً پذیرنده است و فضا برای روایت خود ندارد، دست به مقاومت و مقابله می‌زند. اگر انگاره "پذیرنده بودن" خیلی قوی شود منجر به شکل‌گیری باور "هجمه فرهنگی" شده و بدون شک حساسیت‌زایی خواهد داشت. کشور و جامعه هدف باید فضای خود و روایت‌های خود را در جامعه طرف ببیند. در دیپلماسی فرهنگی باید به دو نکته مهم نیز توجه داشت. اول اینکه در اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌ها در چارچوب دیپلماسی فرهنگی باید با احترام متقابل با ارزش‌ها و باورهای فرهنگی ملت‌های دیگر برخورد کرد. و دوم اینکه در دیپلماسی فرهنگی به‌طور هم‌زمان باید هم ابعاد و ویژگی‌ها و نیازهای فرهنگی و تاریخی ایران و انقلاب اسلامی را تبیین و ترویج کرد و هم شرایط، ویژگی‌ها و نیازهای فرهنگی خاص هر کشور را لحاظ کرد (فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۷). دیپلماسی فرهنگی در عین حساسیت کم، در سطح جریان طرفین می‌تواند بسیار شکننده باشد.

^۱. Multi Track Diplomacy

آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی دیپلماسی فرهنگی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای
آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان برترین مقام کشور، بر کار سازمان‌های کشور نظارت داشته و با رصد نمودن فعالیت‌هایشان، به ارزیابی عملکرد آنها می‌پردازد؛ به این خاطر، ایشان آسیب‌شناسی دقیقی از وضع فعلی ارائه می‌دهد که در زیر‌بدان می‌پردازیم.

موازی کاری دستگاه‌ها

رهبر انقلاب به‌خوبی به آسیب و هزینه‌ای که از جانب موازی کاری‌ها بر کشور تحمیل می‌شود آگاهی داشته و در مواردی علناً از چنین رویه‌ای انتقاد کرده است، از جمله ایشان در سخنانی، بیان داشت که «به دستگاه‌های ذی‌ربط و مجلس بگوئید، هدف از تأسیس این سازمان‌ها ایجاد یک دستگاه موازی در امر تبلیغاتی خارجی نبوده است. بلکه هدف سرجمع کردن همه آن کارها و انتزاع آنها از دستگاه‌ها و مندرج کردن آنها در سازمان واحد بود که به‌جای چندین دستگاه با سیاست و سلیقه و هزینه‌های مختلف، همه کار با یک هدف و یک شیوه و یک هزینه در یکجا انجام گیرد. من هیچ نمی‌پسندم که دستگاه‌های مختلف، هرکدام در سطح بین‌المللی با نام‌های مختلف کار فرهنگی بکنند و هر کس برای خودسازی بزند، این کار درست نیست... این اصطکاک و خنثی کردن و استفاده نکردن امکانات است و هیچ به مصلحت نیست» (حدیث ولایت، ۱۳۸۰/۱۱/۷).

استفاده از روش‌های نادرست

«واقعاً امروز مسائل فرهنگی کشور زمین افتاده است. همه خودشان را فرهنگی می‌دانند، همه نسبت به مسائل فرهنگی اظهار شوق و علاقه می‌کنند و آن را در بیانات و اظهاراتشان مهم نشان می‌دهند، اما حقیقتاً کار فرهنگی در کشور، متناسب با پیشرفت و ریشه دواندن انقلاب در جامعه نیست. ما امروز خیلی کارهای فرهنگی باید می‌کردیم که نکردیم، خیلی برنامه‌ها باید می‌ریختیم که نریختیم و حقیقتاً دستان از خیلی کارها چه در داخل و چه در خارج کشور خالی است. متأسفانه خیلی از کسانی که می‌توانند کار فرهنگی بکنند، به کارهای اجرایی و یا سیاسی مشغول‌اند، یا حتی اگر با نام فرهنگی هم حضور دارند، باطن کار، کار سیاسی است» (حدیث ولایت، ۱۳۶۸/۱۰/۱۲). «اگر از اول انقلاب، این امر جدی گرفته می‌شد، امروز وضع ما، یقیناً

معیارهای تقویت کننده دیپلماسی فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای؛ مهدی هدایتی شهیدانی و همکاران

وضع بسیار خوبی بود. آن هم کسانی که متصدی اداره کشورند، آمادگی لازم و برنامه‌ریزی کافی و پیش‌بینی به‌اندازه را ندارند. چنین چیزی، در انقلاب امکان ندارد و امکان نداشت و نشد. لکن اگر ما آن وقت این را داشتیم، اول کاری که می‌کردیم، این بود که می‌آمدیم از آن جوش و شور انقلابی استفاده می‌کردیم؛ معارف اسلامی را در یک فضای صحیح، به صورت ترجمه معنوی، نه ترجمه زبانی ارائه می‌کردیم. دیگر لازم نبود شما بگویید، این را بساز، این را بگو، یا آنجایش را حذف کن. و فضا، فضای اسلامی می‌شد. اما این نشد. یعنی روشن کردن و تبیین فرهنگ اسلام، با همان وسعتی که مفهوم و معنای فرهنگ دارد. دور از انحراف، دور از خرافه‌گرایی، دور از تنگ‌نظری و جمود، دور از ملاحظه‌کاری و ترس از این‌وآن؛ که حالا مثلاً در دنیا این طور است» (حدیث ولایت، ۱۳۷۲/۰۷/۱۲).

عدم پشتیبانی مناسب و درخور جایگاه سازمان‌ها

«یکی از عوامل سایش در جبهه خودی، این است که مسئولین خودی فرهنگ، مانند وزارت ارشاد و بعضی دستگاه‌های دیگر، به آن کم‌توجهی کردند... اصلاً مسئله فرهنگ، مسئله خط سیاسی چپ و راست نیست؛ مسئله ارزش‌هاست؛ بودن یا نبودن و آری یا نه. انقلاب و اسلام، هویت اسلامی و انقلابی این کشور است. زنها! مسئله خط و خطوط را در کارهای فرهنگی اصلاً داخل نکنید. هر خطی که باشد فرق نمی‌کند. خط، خط است. آن وقت خط‌داری یعنی به اصطلاح، قبیله‌ای فکر کردن. قبیله‌ای فکر کردن یعنی چه؟ یعنی در قبایل سابق، فردی از این قبیله فرد دیگری از آن قبیله را می‌کشت. قبیله مقتول کار به این نداشت که قاتل چه کسی است. اصلاً بحث قاتل نبود. لذا می‌رفت و یک نفر از قبیله قاتل را هر کس که بود می‌کشت! جنگ خطی و به اصطلاح سیاسی در برهه‌ای از زمان در کشور ما جنگ قبیله‌ای بود. یعنی هر گروه که اسم خودش را خط می‌گذاشت، نگاه نمی‌کرد که بین ما چه کسی خوب است، چه کسی بد است؟ بحث سر این بود که از قبیله ماست یا از قبیله ما نیست» (حدیث ولایت، ۱۳۷۹/۱۱/۲۹). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مهم‌ترین دشواری‌های دیپلماسی فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، عبارت‌اند از: موازی کاری دستگاه‌های مرتبط، استفاده از روش‌های نامطلوب و همچنین نبود پشتیبانی مناسب؛ بیشترین تأکید آیت‌الله

خامنه‌ای در بحث دیپلماسی فرهنگی، در خصوص تمرکززدایی دستگاه‌ها و نهادهای مختلف در این عرصه است؛ ایشان متولی اداره روابط فرهنگی بیرون از کشور را نهادهای مختلفی من جمله سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی می‌دانند.

۵- نتیجه‌گیری

مبثنی بر یافته‌های پژوهش باید اشاره کرد در دنیای کنونی و نظام سیاسی موجود جهانی اهمیت فرهنگ و مناسبات فرهنگی به مراتب بیش‌ازپیش آشکار شده است. اگرچه هنوز موضوعات مهم دیگری همچون امنیت، حاکمیت و حوزه استقلال دولت‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند. رشد نظریه‌های "فرهنگ‌مبنا"، "هویت‌مبنا" یا "نظریه‌های نرم" و متمرکز بر قدرت نرم در نظریه‌های روابط بین‌الملل در دهه‌های اخیر شاهدی بر این مدعا است. با توجه به اهمیت و مزایای دیپلماسی فرهنگی این مهم می‌تواند به‌عنوان ابزار و بستر مناسب جهت تأمین منافع تلقی شود. تأمین منافع از طریق ایجاد و تعمیق روابط میان ملت‌ها توأمان هزینه کمتر و پایداری بیشتری دارد. نباید فراموش کرد که بازیگران عرصه روابط بین‌الملل کماکان دولت‌ها و آن‌هم به نمایندگی از ملت و جامعه خود هستند. بنابراین نباید در اهمیت نقش دیپلماسی و مردم بزرگنمایی کرد. دیپلماسی دیگر سنتی و محدود به دولت‌ها و موضوعات صرفاً سیاسی و اعلی نیست. در این عرصه مردم و فعالیت‌های مردمی هم منجر به شکل‌گیری انواع جدیدی از دیپلماسی از جمله دیپلماسی شهروندی، چندوجهی، دیپلماسی مسیر دو، و دیپلماسی فرهنگی شده است.

همچنان که شرح آن رفت دیپلماسی فرهنگی در نظر رهبری ایران اهمیت فراوانی دارد. آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به اهمیت فرهنگ و موضوعات فرهنگی توجه جدی دارند. منویات ایشان در خصوص دیپلماسی فرهنگی در دو بعد قابل تفکیک است. بخشی از منویات ایشان محتوایی و قسمت دیگر روشی و شکلی است که در هر دو بخش بررسی شد. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق تمرکز و توجه بیشتر به دیپلماسی فرهنگی که ظرفیت لازم جهت تأمین برخی منافع را دارد؛ نفوذ و اثرگذاری خود را مناطق مختلف افزایش دهد. کشورهای بسیاری هستند که ایران برای فعال‌سازی ظرفیت‌های تمدنی قدرت آفرین خود دشواری کم‌تری دارد. بنابراین چنانچه منویات

معیارهای تقویت‌کننده دیپلماسی فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای؛ مهدی هدایتی شهیدانی و همکاران

آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص دیپلماسی فرهنگی در عرصه سیاست خارجی با توجه روش‌های مطرح شده معطوف به مؤلفه‌های موردنظر ایشان به کار گرفته شوند تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران تا حد زیادی متحول خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران باید همواره در سیاست خارجی خود نسبت به رعایت نگاه فرهنگی و ابعاد آن حساسیت داشته باشد.

منابع

- امام خمینی (ره) (۱۳۶۸). صحیفه نور، جلد ۱۲. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بشیر، حسن و میرفخرائی، محمد (۱۳۹۶). «فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران در پنج کشور عربی خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال دوازدهم، شماره ۳۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=contentShow&id=12166>
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۳). درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، تهران: انتشارات مذاهب تقریب جهانی.
- حدیث ولایت (۱۳۹۷). مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی - دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۶). «نقش فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در طراحی و پیشبرد دیپلماسی؛ با تأکید بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا»، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکرد ایرانی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- دغدغه‌های فرهنگی (۱۳۹۰). شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳، با استفاده از دیگر بیانات معظم له، تهران: موسسه جهادی.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۰). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۹). «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۴، صص ۱۰۳-۱۲۲.
- درخشه، جلال، کلیشمی، علیرضا (۱۳۹۶). «دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم ج.ا. ایران در ایتالیا: فرصت‌ها و تهدیدها». پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، جلد ۷، شماره ۲.
- روحانی، سید محسن، ذوالفقاری، مهدی، (۱۳۸۹). ترجمه قدرت نرم، نویسنده جوزف نای، چاپ اول. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

معیارهای تقویت کننده دیپلماسی فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای؛ مهدی هدایتی شهیدانی و همکاران

- سیمبر، رضا، مقیمی، احمدعلی (۱۳۹۴). «منافع ملی و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره اول، بهار.
- صادقی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۳). «انقلاب اسلامی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. شماره ۳۸، صص ۲۵-۴۶.
- صادقی، محمد مسعود (۱۳۹۳). مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- کوهکن، علیرضا، رحیمی نژاد، محمدعلی، غلامی، سعید (۱۳۹۷). «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲، تابستان، صص ۳۹-۶۹.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسائل، چاپ اول. تهران: دادگستر.
- میرزائی، حمید و همکاران (۱۳۹۸). «تدوین راهبردهای مدیریت دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران در منطقه غرب آسیا». فصلنامه راهبرد، سال بیست و هشتم، شماره ۹۰، بهار.
- میرفخرایی، سید حسن، بندپی فیروزمندی، مجید (۱۳۹۶). «دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- نای، جوزف (۱۳۸۳). «قدرت نرم»، ترجمه محمد حسینی مقدم، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۹.
- Harrison, Patricia de Stacy & other (2005). "Cultural Diplomacy The linchpin of Public Diplomacy Report Diplomacy". Report of the Advisory Committee on Cultural Diplomacy U.S. Department of State September 2005. Available at: WWW.publicdiplomacy.org.
- Ien Ang, Yudhishtir Raj Isar & Phillip Mar (2015). Cultural diplomacy: beyond the national interest?, International Journal of Cultural Policy.
- Von Maltzahn, N. (2009). The case of Iranian cultural diplomacy in Syria. Middle East Journal of Culture and Communication, 2(1), 33-50.
- Wastnidge, E (2015). The modalities of Iranian soft power: from cultural diplomacy to soft war. Politics, 35(3-4), 364-377.
- Zamorano, Mariano Martín (2016). Reframing Cultural Diplomacy: The Instrumentalization of Culture under the Soft Power Theory, Culture Unbound, Volume 8, 166-186.